محمدباقر قالیباف، واکنش خود را معطوف به اشاره ظریف به تصویب قانون راهبردی در مجلس کرد. حساب کاربری این نامزد انتخابات در ایکس (توئیتر) نوشت: «می‌گویند دولت باید مجری سیاست‌های رهبر معظم انقلاب در سیاست خارجی باشد؛ اما قانونی را که مورد تأکید ایشان است، و به درخواست شعام همان دولت تصویب شده، قبول ندارند. رفع تحریم براساس منطق انتفاع اقتصادی که راهبرد رهبری است، در دولت خدمت و پیشرفت مهم و دارای اولویت خواهد بود.» پیش از این محمود واعظی، رئیس دفتر روحانی گفته بود که علی شمخانی دبیر وقت شعام، مخالف احیای برجام بود.

یکی از مشاوران امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی به نام **صالح اسکندری** در برنامه دیروز میزگرد سیاسی شبکه سه گفت: «متأسف شدم که دیدم دیروز فردی روی همین صندلی نشسته بود و با ادبیات جنگ‌هراسی مردم ما را می‌ترساند که اگر ترامپ بیاید، می‌بینیم که چه می‌شود. به‌عنوان یک دانش‌آموخته علوم سیاسی برای خود متأسف شدم که فردی بیاید و قبلاً هم مسئولیت داشته باشد و مردم غیور ایران را از ترامپ قمارباز بترساند. در حالی که مسئله اساسی کشور ما برجام نیست. میت برجام را مجدد از گور بیرون کشیدند و دارند به آن کافور تازگی می‌زنند.»

علی باقری کنی، سرپرست وزارت امور خارجه در واکنش به اظهارات محمدجواد ظریف در خصوص تاثیرات برجام بر شاخصه‌های اقتصادی کشور، خاطرنشان کرد: نقش‌آفرینی در عرصه مناسبات بین‌المللی به‌گونه‌ای بود که که وقتی ایران از حق دفاع مشروع خود استفاده کرد و پاسخ جنایات صهیونیست‌ها را داد، آمریکا و صهیونیست‌ها نتوانستند از هیچ ظرفیت بین‌المللی استفاده کنند. همراهی میدان و دیپلماسی یک واقعیت در این سه سال است. اگر دیپلماسی بدون میدان باشد، دیپلماسی به سخنگاهی برای اعلام مواضع تبدیل می‌شود. این دو باید هم‌افزا باشند که این اتفاق در این سه سال تثبیت شد و آثار آن را دیدیم.

سپهر خلجی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت شب گذشته فیلمی چندثانیه‌ای از پرواز سیدابراهیم رئیسی به نیویورک منتشر کرد که به گفته او، رئیس جمهور فقید آخرین نکات مورد نظرش را در مورد قاتل شهید سلیمانی برای درج در متن سخنرانی سازمان ملل بیان می‌کند و نوشت: دیروز خاطرات تلخ روزهای سیاه دیپلماسی التماسی و فریبکاری‌های پس از آن برایم زنده شد و جای خالی حاج‌آقا را بیشتر احساس کردم.

کیهان دیروز یادداشتی بدون نام نویسنده با تیتر «شخصیت ندارند، ترور شخصیت می‌کنند» منتشر کرد. در این یادداشت، اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان با عنوان اشرافیت غربگرا معرفی شدند که مدیری به توانمندی محمدباقر قالیباف، نظریه‌پرداز، دقیق و باتقوا مثل سعید جلیلی، امانتدار و صاحب بیان رسا مثل علیرضا زاکانی ندارند و اگر داشتند به هر کدام از آن‌ها لقبی مثل امیرکبیر زمان و مانند آن می‌دادند. در بخشی از آن آمده است: «اما از جبهه شترگاو پلنگی غربگرا، هرگز مدیران صاحب کفایت و اندیشه‌ای مانند قالیباف و جلیلی و زاکانی پدید نمی‌آید. بنابراین تصور می‌کنند که باید از سر حسادت و با غیظ تمام، از خجالت‌شان دربیایند؛ چراکه سقف مدیرپروری و مدیرآوری‌شان، نهایتاً: حسن روحانی و عباس آخوندی و جواد ظریف و محمدباقر نوبخت و اسحاق جهانگیری و محمدعلی نجفی و پیروز حناچی و صفدر حسینی و حسین فریدون و نظائر آنهاست.»

ظریف یک چهره ملی است

علی باقری، فعال سیاسی اصلاح‌طلب درباره تاثیر حضور ظریف در انتخابات، به هم‌میهن گفت: «تصورم از قبل این بود که شاه‌بیت جداسازی نامزدها در این انتخابات بحث سیاست خارجی خواهد بود. دونگاه کلی در کشور نسبت به سیاست خارجی وجود دارد. نگاه اول، ریشه مشکلات را حواله به تحریم‌ها و بحث سیاست خارجی می‌دهد. نگاه دوم نیز سعی می‌کند این عامل را کم‌رنگ و دلیل نابسامانی‌ها را به سایر پارامترها از جمله سوءمدیریت و فساد معطوف کند. این دوگانه حداقل از دولت روحانی وجود داشته است. بعضی از این کاندیداهای محترم انتخابات چهاردهم، اعلام می‌کردند که ۲۰ درصد مشکلات برای تحریم و ۸۰ درصد برای مدیریت ناکارآمد است. همان نامزد در مناظره اول هم این مسئله را مطرح کرد اما بدون اینکه درصدی برای آن لحاظ کند. این دوگانه گفتمانی و تحلیلی طی هفت یا هشت سال اخیر وجود داشته است. بنابراین حدس زده می‌شد که در این انتخابات، بحث سیاست خارجی یک چالش گفتمانی به‌وجود بیاورد. اگر از این دریچه به موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که چرا یک نطق زیر ۱۰ دقیقه‌ای فضای انتخابات را این‌طور تحت‌الشعاع قرار داد و حتی تبدیل به بحث اصلی کشور شد. ظریف به نقطه مهم جداسازی دو گفتمان موجود در کشور نیشتر زد و یکی از پرونده‌های اصلی نزاع در این انتخابات را روی میز گفت‌وگوها گذاشت.»

او ادامه داد: «این اتفاق مثبت بود اما آفتی نیز دارد که می‌تواند تبدیل آن به نقطه بروز بی‌اخلاقی و تقابل‌های ناهنجار باشد. هیچ ایرادی ندارد که کاندیداها نظرشان را به صورت روشن در رابطه با این موضوع مطرح کنند. آقای پزشکیان و کمپین ایشان هم قاعدتاً پاسخ خواهند داد. اما بیست و چهار ساعتی که از آن برنامه گذشت، نشانه‌هایی از رفتارهای هیستریک و توهین‌آمیز که از ساحت بحث و اندیشه خارج است را دیدیم. رسانه‌هایی که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند و در رأس آن‌ها صداوسیما بعد از این برنامه، بحث‌های جدی در نقد گفتمان آقای ظریف و پزشکیان مطرح کردند. درحالی که صداوسیما باید بی‌طرف باشد و زمینه را برای گفت‌وگوی همه طرف‌ها فراهم کند، این وضعیت در کوران انتخابات جدی‌تر شده است. اینکه یک هفته مانده به انتخابات رسانه ملی وارد بحث‌های کارشناسی شده و صریحاً یک نگاه را به نفع نگاه دیگر نقد و حتی سلاخی می‌کند، غیرقانونی و خروج از هنجارهای انتخاباتی است. روزنامه شهرداری تهران با کدام حق به نقد یک‌طرفه ظریف می‌پردازد؟ این‌ها بداخلاقی است. یکی از نامزدها پیشاپیش می‌گوید که در مناظره آینده به خدمت گوینده آن اظهارات می‌رسم. به‌ویژه که خاطره حضور قبلی این نامزد در انتخابات قبل نیز در ذهن جامعه مانده است و این نگرانی را ایجاد می‌کند که بستر جدال احسن و گفت‌وگو در انتخابات به سمت ناهنجاری پیش برود.»

مدیرکل سیاسی پیشین وزارت کشور، تاکید کرد: «ظریف چهره‌ای فراجناحی و یک سرمایه ملی است که در زمان جنگ، سرباز دیپلماسی و در زمان وزارتش، سردار این عرصه بود. یک شخصیت ملی است که منافع ملی برای او اهمیت دارد. او همان‌قدر که با قاطعیت نامزدی در انتخابات را رد کرد، درحالی که ممکن بود آرای بالایی را به خود اختصاص دهد، با توجه به همان مصالح به‌عنوان دستیار و کارشناس ارشد کنار آقای پزشکیان حاضر شد که نگاه ملی او به مشکلات و شرایط فعلی کشور را نشان می‌دهد.»

مناظره‌ها زیر سایه سیاست خارجی جدی‌تر خواهد شد

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در مجلس دهم، به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «در نهایت موضوع سیاست خارجی در انتخابات ریاست‌جمهوری به یک موضوع چالشی تبدیل می‌شود. حضور آقای ظریف در نشست کارشناسی به‌عنوان مشاور و همراه آقای پزشکیان، نقش عامل شتاب‌زا را برای بروز این اختلاف بازی کرد؛ اختلافی که ممکن بود در مناظره آخر شکل بگیرد. در حال حاضر مسئله کاسبی تنش و تحریم یکی از مسائل اساسی کشور ماست و عده‌ای منافع خود را در این وضعیت جست‌وجو می‌کنند. اما جریانی حول محور آقای پزشکیان جمع شده که معتقد است تنش‌زدایی خارجی باید انجام شود، کاسبان تنش و تحریم دست‌شان از سیاست داخلی و خارجی بریده شود و منافع ملی به دست بیاید. با توجه به اینکه بحث نگاه به سیاست خارجی در این نشست کارشناسی داغ شد، مناظره‌های آتی جدی‌تر خواهد شد. مناظره‌های اقتصادی نیز تحت تاثیر سیاست خارجی قرار خواهد گرفت.» فلاحت‌پیشه تاکید کرد: «کسانی مثل زاکانی و قاضی‌زاده هاشمی که افراد منتظر کناره‌گیری‌شان از انتخابات بودند، بحث سیاست خارجی را بهانه قرار داده و فعلاً در رقابت می‌مانند. بخش اعظم مسائل سیاسی، اقتصادی مرتبط با موضوع تحریم است و هر چه این مسائل بیشتر مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، به نفع فضای انتخابات است»

آن است که اصفهان رو به خشکی رفته وضعیت نامناسب آبی و محیط‌زیستی این استان که حالا زندگی مردم این شهر و این استان را در معرض خطر جدی قرار داده، موضوعی نیست که با وعده‌های انتخاباتی قابل حل باشد. ضروریست نامزد اصلاح‌طلبان نقشه راهی عملی و شفاف برای کمک به حل معضلات آبی استان داشته باشد و در این راستا از نظرات کارشناسی متخصصان حوزه محیط‌زیست، کشاورزی و آب بهره ببرد.

چند توصیه محیط‌زیستی به پزشکیان

محمد درویش، کارشناس محیط زیست به هم‌میهن می‌گوید: «من اگر جای پزشکیان بودم به مردم اصفهان می‌گفتم که راه نجات اصفهان و تاب‌آوری دوباره کشاورزی پایدار در این شهر آن است که بعد از تامین آب شرب، روان شدن دائمی زاینده‌رود و تامین حقابه مصوب تالاب گاوخونی که حدود ۱۷۶ میلیون مترمکعب در سال است در اولویت قرار گیرند.» او معتقد است تخصیص حقابه تالاب گاوخونی چشمه‌های گرد و خاک را مهار می‌کند: «این چشمه‌ها در چند روز گذشته باعث رسیدن شاخص آلودگی هوای اصفهان به عدد ۵۰۰ شده بود. با این اقدام در واقع روند رو به رشد کاهش سطح آب زیرزمینی در دشت اصفهان و دولت‌آباد متوقف می‌شود. جاری بودن زاینده‌رود به تغذیه طبیعی دشت اصفهان کمک می‌کند.» به گفته او پزشکیان باید با کشاورزان صحبت کند و به جای کشاورزی‌های آب‌بر، معیشت‌های جایگزین برایشان تعریف شود. به این معنا که کشاورزان در حوزه کشت‌های گلخانه‌ای، اقامتگاه‌های بومگردی با ترویج توریسم کشاورزی یا کشت و صنعت‌های دارویی مشغول فعالیت شوند. درویش بر پلمب شدن چاه‌های غیرمجاز اصفهان هم تاکید می‌کند: «دولت آینده نباید مجوز برداشت‌های غیرمجاز از چاه‌های مجازی موجود این استان را بدهد. اخیراً وزارت نیرو، آماری منتشر کرده که نشان می‌دهد ۳ درصد کشاورزان در استان‌های اصفهان، خراسان رضوی و کرمان معادل ۲۵ درصد کشاورزان آب مصرف می‌کنند و این یکی از بزرگ‌ترین موانع پایداری آب است.» او عنوان می‌کند که پزشکیان باید مطلع باشد که توقف بارگذاری جدید در حوضه آبخیز زاینده‌رود ضروریست و اجازه توسعه صنایع آب‌بر و انرژی‌بر مطلقاً در این حوضه داده نشود تا این صنایع برای توسعه خود با رعایت اصول محیط‌زیستی به سمت سواحل خلیج فارس و دریای عمان بروند: «ضروریست پزشکیان تاکید کند که طرح‌های انتقال آب به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند مشکل اصفهان را حل کند. نباید به دنبال آن باشیم که مشکلات اصفهان با تشدید مشکلات در سرچشمه‌های کارون، دز، خرسان سه قابل حل نیست.» این کارشناس محیط‌زیست معتقد است که پزشکیان درصورت رسیدن به ریاست‌جمهوری باید برای حل مشکل اصفهان، مشکلات یزد را هم حل کند: «یزدی‌ها نباید به انتقال آب زاینده‌رود عادت کنند. سالانه تراز آبخوان‌های این منطقه ۳۰۰ میلیون مترمکعب کاهش می‌یابد. به این دلیل که صنایع آب‌بر و کشاورزی و تولید گوشت قرمز همچنان در این استان فعال هستند.» او اضافه می‌کند: «یزدی‌ها به عنوان ساکنان پایتخت خشت جهان باید به سمت افزایش جذابیت‌های خود در حوزه گردشگری حرکت کنند و می‌توانند از طریق توریسم سلامت و توریسم طبیعی، تاریخی و فرهنگی و استحصال انرژی خورشیدی تولید ثروت کنند. در این صورت یزد نیازی به ۶۰ میلیون مترمکعب آب انتقالی از زاینده‌رود نخواهد داشت.» درویش به پزشکیان توصیه می‌کند که تلاش کند هر منطقه‌ای با توجه به توان کنشی خود اداره شود و آبادانی هیچ منطقه‌ای را در گرو ناآبادانی منطقه دیگر، نگذارد. این کارشناس محیط‌زیست می‌گوید: «در حال حاضر دولت ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برای طرح‌های شیرین‌سازی و انتقال آب میان ایران مرکزی یعنی اصفهان، یزد، شیراز و مشهد هزینه می‌کند. پس دولت پول دارد اما اگر به جای پرداخت هزینه‌های گزافی که به تخریب بیشتر محیط‌زیست و وابستگی بیشتر مردم به انتقال آب می‌شوند، در حوزه معرفی معیشت‌های جایگزین، استحصال انرژی خورشیدی، توسعه زیرساخت‌های گردشگری و توریسم سلامت هزینه کند، به مراتب موفق‌تر است.» این کارشناس محیط‌زیست یادآوری می‌کند که اصفهان دارای بزرگ‌ترین شهرک سلامت کشور است که رئیس آن اعلام کرده می‌تواند در سال ۴/۵ میلیارد دلار درآمد ارزی ایجاد کند: «این عدد بیش از ارزش کل محصولات باغی، زراعی، دام، طیور و شیلات در کل استان اصفهان است که در سایه آن اصفهان می‌تواند اشتغال پایدار ایجاد کرده و از معضل آلودگی هوا و فرونشست زمین رها شود.»

سمفونی خطوط

جواد علیزاده

نگاه هم‌میهن

آب در خوابگهِ مورچگان

مهرداد خدیر
معاون سردبیر

«گفتند ما یاد دادیم که چگونه نفت بفروشند. نه خیر! وقتی آقای بایدن آمد، سیاست این شد که پیچ را شُل کنند. اجازه بدهید آقای ترامپ برگردد. آن وقت ببینیم دوستان چه می‌کنند.»

این سخن محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه که به‌عنوان مشاور در میزگرد سیاسی شبکهٔ سوم سیما کنار مسعود پزشکیان نشست، انگار آب به لانهٔ مورچگان انداخته که از ظهر دیروز صداوسیما بسیج شده تا آمار فروش نفت ارائه دهند حال آن که او اصل فروش بیشتر را انکار نکرده بلکه دلیل آن را گفته چراکه آقای جلیلی مدعی شده بود در آغاز دولت فعلی طرحی به مرحوم رئیسی ارائه داد و براساس آن فروش نفت بالا رفت!

وزیر خارجهٔ پیشین نگفت اما یک دلیل دیگر جنگ اوکراین است که سبب شد دولت بایدن چشم خود را ببندد منتها از دیروز صداوسیما تمام‌قد وارد انتخابات شده و گویا برادر آقای سعید جلیلی دریافته که نمای دور از تصویر جواد ظریف در میزگرد کفایت نکرده چراکه او صدای خود را بلندتر کرد و بیشتر دیده و شنیده شد. هر یک به سهم خود بر آن شده‌اند تا از دستاوردهای دولت مستقر فعلی دفاع کنند و این در حالی است که تا پیش از این برنامه به‌گونه‌ای رفتار می‌کردند کانّه در این سه سال دولتی بر سر کار نبوده و از ۱۴۰۰ ناگهان سر از ۱۴۰۳ درآوردیم!

چون برای آقای رئیس جمهور فقید سانحه پیش آمده و از دنیا رفته نه‌تنها خود مرحوم که همکاران او هم باید تقدیس و تکریم شوند و لابد اگر آقای مهرداد بذرپاش به جای آقای امیرعبداللهیان در بالگرد بود اکنون باید در وصف او می‌نوشتیم حال آنکه دیدیم شورای نگهبان صلاحیت او را تأیید نکرد ولی چون رئیس جمهوری دیگر در قید حیات است هر چه می‌خواهند می‌توانند بر او بتازند! جدای آنچه در آغاز نقل شد این سخن ظریف هم بر اصول گرایان گران افتاده که در اواخر دولت قبل به رغم خروج ترامپ از کاخ سفید به دو دلیل برجام احیا نشد و مردم از مزایای آن محروم ماندند: «اول اینکه اسرائیل آقای فخری‌زاده را به شهادت رساند و دوم مصوبهٔ قانون راهبردی مجلس» و در ادامه هم: «نگذارید بگویم در آن ۶ ماه تلخ چه گذشت.» مراد وزیر سابق خارجه از ۶ ماه تلخ ماه‌های پایانی دولت روحانی است که به رغم استقرار جو بایدن در کاخ سفید امکان احیای برجام از دولت روحانی ستانده شد. (از اول بهمن ۱۳۹۹ تا اول تیر ۱۴۰۰).

این جملات ظریف هم حامیان دولت فعلی را به خشم آورده و تبلیغات‌شان را دود کرده است: «در آن ۶ ماه تلخ ما بارها می‌توانستیم برجام را زنده کنیم و سه سال از این فلاکت زجر نکشیم. اگر تعداد تحریم‌ها در دولت آقای روحانی و به دست ترامپ از هزار فقره به ۱۵۰۰ رسید، در این سه سال دولت آقای رئیسی از ۱۵۰۰ تحریم به ۲۵۷۰ تحریم رسید. یعنی اگر در ۸ سال ۵۰۰ تحریم اضافه شد در سه سال هزار تحریم اضافه شد. اگر می‌خواهیم با عدد سر مردم شیره بمالیم، درست بمالیم!»

از این صریح‌تر امکان‌پذیر نبود و مصطفی پورمحمدی هم تعبیر آخر را تکرار یا تصدیق کرده است و از دیروز کل دستگاه تبلیغاتی به تکاپو افتاده تا فلاکت و گرفتاری‌ای را که مردم در این سه سال با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند انکار کنند و شگفتا که اگر اوضاع این‌قدر گل و بلبل است چرا نامزدهای کنونی با داعیهٔ تغییر همین وضعیت به صحنه آمده‌اند؟!

حالا دولتِ مستقر است و انتقاداتی که کاندیداها اگر در صدد پاسخ برآیند یعنی به خود گرفته‌اند و طبعاً به مثابه نمایندگان و مدافعان وضع موجود شناخته می‌شوند و اگر سکوت کنند به منزلهٔ تأیید آنهاست.

تا اینجا تنها یک نفر (قاضی‌زاده‌هاشمی) کوشیده تمام‌قد از دولت کنونی دفاع کند و لباس عزای سانحه را هم هنوز از تن به در نیاورده و دیگران کج‌دار و مریز این جام را در دست گرفته‌اند تا هم گاهی از آن بنوشند و گاه بگویند چندان خالی نیست و گاهی وعده دهند پر می‌کنند!

یکی با اینکه ۴ سال رئیس مجلس بوده حساب خود را از دولت جدا می‌داند و دیگری (زاکانی) بر نیمه تمام ماندن راه تأکید دارد و اینکه کار تازه شروع شده بود و آن اتفاق افتاد و انگار او می‌تواند ادامه دهد و سومی (جلیلی) از دولت سایه سخن می‌گوید و در عین حال برخی از موفقیت‌ها را به حساب طرح‌های پیشنهادی خود می‌گذارد و کسی در این میانه نمی‌پرسد مگر ۷۰۰۰ صفحه برنامه در کار نبود؟!

جدای همهٔ اینها مگر جواد ظریف چه گفته که ناگهان اردوگاه حریف تا این حد به هم ریخته و آشفته شده است؟

حالا مانده‌اند چه کنند؟ در مناظرهٔ بعدی (پنج‌شنبه‌شب) متحد شوند و ۴ نفری بریزند بر سر پزشکیان که گفته با کسی دعوا ندارد؟ یا بعد از مناظره‌ها ۴ نفر به سود یک نفر کنار بروند؟ آن وقت آن یک نفر که باشد؟ قاضی‌زادهٔ هاشمی نمی‌تواند باشد چون همین امروز در پاسخ به پرسش ابراهیم متقی به صراحت گفت تا آخر می‌ماند و در انصراف بدسابقه است.

یا آقای قالیباف باشد که سعی کرده تصویر متفاوتی از خود ارائه دهد و پاره‌ای رفتارهای ۹۲ و ۹۶ را تکرار نکند و روی زمین راه برود. با این وصف او چگونه می‌تواند به سود سعید جلیلی با رؤیاپردازی‌های خاص خود انصراف دهد؟ خود آقای جلیلی هم البته دچار همین مشکل است و در این داستان نه می‌تواند میدان را به سود زاکانی ترک کند و نه دو نفر دیگر.

اگرچه قرائن حاکی از آن است که در آرایش نهایی دست‌کم دو نفر کنار می‌روند ولی گویا قرار نبوده یا پیش‌بینی نمی‌شده تا این حد آشفته شوند و گمان می‌کردند با خط قرمزی که به خاطر سانحه برای رئیس دولت گرداگرد عملکرد همین دولت کشیده‌اند می‌توانند به خود بنازند و به دیگران بتازند و افتخار بسازند. ظریف اما انگار آب در لانهٔ مورچگان - و به تعبیر نیما در خوابگه مورچگان - ریخته و از این تمثیل البته مراد تخفیف نیست بلکه غرض ترسیم نمایی از آشفتگی است و خود نیما چنین گفته و شاید ظریف با خود زمزمه کند:

از شعرم خلقی به هم آمیخته‌ام / خوب و بدشان به هم در آمیخته‌ام
خود گوشه گرفته‌ام تماشا را / آب در خوابگه مورچگان ریخته‌ام...